



انجمن علمی فقه‌پژای تفسیری ایران



فصلنامه فقه‌پژای تفسیری

Volume 3, Issue 2, 2023

Basis of Validity of Testimony and Validity of Women's Testimony in Judicial Procedure

Ali Samadi Ghorbani¹, Ayatollah Parvizi Fard^{2*}, Homa Davoudi Garmaroudi³

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Kangavar Branch, Islamic Azad University, Kangavar, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article: Original Research

Pages: 189-200

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0003-6435-7893

TELL: +988348132542

Email: mehdi.r.t7461@gmail.com

Article history:

Received: 08 Feb 2023

Revised: 15 Apr 2023

Accepted: 28 May 2023

Published online: 22 Jun 2023

Keywords:

Testimony, Validity of
Testimony of Men and Women,
Testimony in Judicial
Procedures.

ABSTRACT

Testimony is one of the proofs of truth and justice in the judicial system, which, despite the Islamic Republic, in most countries, its validity and quality are the same for both sexes. According to the jurists, it is the testimony of announcements and news, in which certainty is the main condition. In addition, there is a difference of opinion between the jurists of Islamic schools of thought. Based on this, this research, with a descriptive-analytical method and in the field and a library method of jurisprudential and especially legal texts, dealt with the basics of the authenticity of testimony and the validity of women's testimony in judicial procedure. In the existing laws in Iran, the nature of testimony is not explained in detail and to understand its meaning, one must rely on legal doctrine and jurisprudence and the opinions of jurists. The gender difference in testimony is one of the controversial issues in the field of law. Therefore, the prevailing idea in Iran is that adding women's testimony to men's testimony does not mean depriving women of their rights, but it is merely a form of protection for them in parallel with the consequences of testimony. On the other hand, according to the developments of the modern world and the daily needs of the society, as well as citing various scientific researches, it has been proven that men and women do not have significant differences in terms of perception and cognition, as well as memorizing and recording events and recalling them. It is obvious that this will prevent the occurrence of internal conflicts and violations of human rights laws and will lead to fair and just proceedings in the proceedings. This research has some applications and suggestions for further study.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Samadi Ghorbani, A; Parvizi Fard, A & Davoudi Garmaroudi, H (2023). "Basis of Validity of Testimony and Validity of Women's Testimony in Judicial Procedure". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(2): 189-200.



انجمن علمی فقه برای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه جزای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه برای تطبیقی

دوره سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲

مبانی حجیت شهادت و اعتبار شهادت زنان در رویه قضایی

علی صمدی قربانی^۱، آیت‌الله پرویزی فرد^{۲*}، هما داوودی گرمارودی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کنگاور، دانشگاه آزاد اسلامی، کنگاور، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۸۹-۲۰۰

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۷۸۹۳-۶۴۳۵-۰۰۰۳-۰۰۰۹

تلفن: +۹۸۸۳۴۸۱۳۲۵۴۲

ایمیل: mehdi.r.t7461@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

شهادت، اعتبار شهادت مردان و زنان، شهادت در رویه قضایی.

چکیده

شهادت از موارد اثبات حق و حقیقت در دستگاه قضا می‌باشد که به‌رغم جمهوری اسلامی در عمده کشورها اعتبار و کیفیت آن برای هر دو جنس یکسان می‌باشد. از نظر فقها نیز شهادت اعلام و اخبار است که قطع و یقین در آن شرط اصلی است، ضمن آنکه در این مورد، اختلاف نظری بین فقه‌های مذاهب اسلامی وجود دارد. بر این اساس، این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و به‌صورت میدانی و کتابخانه‌ای از متون فقهی و خصوصاً حقوقی به مبانی حجیت شهادت و اعتبار شهادت زنان در رویه قضایی پرداخت. در قوانین موجود در ایران ماهیت شهادت به‌صورت دقیق تبیین نشده و برای دریافت معنای آن باید به دکتترین حقوقی و فقه و نظریات فقها تمسک جست. تفاوت جنسیت در شهادت، ازجمله مسائل پرحاشیه در حوزه حقوق می‌باشد، لذا ایده غالب در ایران چنین است که ضمیمه‌نمودن شهادت زنان به شهادت مردان، به‌معنای محرومیت از حقوق حقه زنان نبوده و صرفاً نوعی حمایت از آنها به موازات تبعات شهادت می‌باشد. از طرفی، باتوجه به تحولات دنیای مدرن و نیازمندی‌های روز جامعه و همچنین با استناد به تحقیقات علمی مختلفی اثبات شده است که زنان و مردان از لحاظ ادراک و شناختی و حفظ و ثبت وقایع و یادآوری آن تفاوت فاحشی ندارند. بدیهی است که این مهم از بروز مخاصمات داخلی و نقض‌های قوانین حقوق بشری ممانعت نموده و رسیدگی عادلانه و منصفانه‌ایی را در دادرسی در پی خواهد داشت. این پژوهش دارای پیشنهادهای کاربردی و تحقیقاتی می‌باشد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی پژوهش حاضر به‌صورت غیر تجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

مقدمه

شهادت‌دادن به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین ادله از دیرباز در ملل مختلف بدون در نظر گرفتن محدودیتی برای اثبات هر نوع دعوی مورد استفاده قرار گرفته است. در عین حال، حدود و میزان اعتبار آن در کشورهای مختلف یکسان نمی‌باشد. این مهم در زمانی که دستاوردهای علمی چندانی وجود نداشت و به‌ویژه زمانی که میزان آشنابودن به خط اندک بوده است و یا تنظیم سند مفهوم خاصی نداشته است، دارای اهمیت ویژه‌ای بود (طرابلسی، ۱۴۰۶: ۵۶۴)، لذا در چنین دورانی و به‌طور خاص به‌سبب تکلیف اخلاقی و اجتماعی اشخاص اقدام به ادای شهادت نموده و در مراجع قضایی قانونی حضور می‌یافتند. بر این اساس، تمام مکاتب فقهی اسلام طبق آیه ۲۸۲ سوره بقره «و استشهدوا شهیدین من رجالکم فان لم یكونا رجلین فرجل و امراتان ممن ترضون من الشهداء ان تضل احدهما فتذکر احدهما الاخری» و با در نظر گرفتن روایت‌های متعدد از پیامبر اکرم (ص) و سایر امامان، شهادت‌دادن زن را قابل قبول می‌دانند، مضافاً هیچ یک از مذاهب اسلامی جنسیت و مردبودن را از شروط شهادت‌دادن لحاظ ننموده‌اند، به‌خصوص که در مذهب امامیه شهادت زنان به شرط مورد اطمینان‌بودن‌شان را برابر با شهادت مرد دانسته و برای هر موضوعی مورد استفاده می‌باشد. با این وجود، به‌رغم آنکه تعداد شهود در حقوق اسلام موضوعیت داشته است، اما در قوانین حقوقی ایران، صرف نظر از موارد خاص، مسأله شهادت بر مبنای عدد و تعداد، بلکه بر مبنای وزنی می‌باشد و این وزن را به‌صورت کیفیت ادای گواهی در نظر می‌گیرند، ضمن آنکه در قانون آیین دادرسی کیفری کشور ما برخلاف بسیاری از کشورها مانند فرانسه (ماده ۴۵۱ از آیین دادرسی کیفری آن) تعریف صریح یا واحدی از شاهد و شهادت ارائه نشده است (ایمانی، ۱۳۸۲: ۵۶).

به‌عبارت دیگر، براساس اصول فقهی، در قوانین مجازات کشور ما از منظر اعمال مقررات کیفری تفاوت‌هایی در جنسیت وجود دارد که به نظر می‌رسد به جنس مرد برتری و امتیازی در بسیاری از موارد داده است، به‌رغم آنکه غالب تفکرات جوامع امروزی و به‌ویژه در اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر حول برابری زن و مرد و عدم تبعیض بیان‌شده متمرکز

می‌باشد. از بین این موارد مسأله شهادت زنان در قوانین قضایی جمهوری اسلامی می‌باشد. از آنجا که رعایت حقوق زنان و عدم تبعیض، چه در داخل و چه در جوامع بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است و باتوجه به این‌که در طول تاریخ به زنان به‌سبب رعایت حقوق‌شان ستم روا شده است. باوجود این‌که بسیاری از پیشرفت‌های علوم و جامعه توسط این قشر صورت می‌گیرد، شهادت آن‌ها جز حقوق‌شان کمتر نگریسته می‌شود و در بسیاری از موارد صرفاً تکلیف تلقی می‌شود، لذا این مسأله موجبات تعبیرات ناصحیحی در مورد این قشر مفید جامعه می‌گردد (بهرامی، ۱۳۸۹: ۲۹).

از طرفی، جنسیت در خصوص لزوم یا عدم لزوم شرط رجلیت در شهادت و اعتبار شهادت زنان دو رویکرد وجود دارد: یک رویکرد بر این اساس است که شهادت به‌عنوان ادله اثبات موضوعیت دارد و ادله اثبات را به نصوص محدود می‌داند و تنها در مواردی که آیه و روایت در خصوص شهادت زنان آمده است، آن را می‌پذیرد و اصل را بر حجیت شهادت مردان می‌داند؛ رویکرد دیگر بر آن است که شهادت زنان را مطلقاً پذیرفته و تفاوتی میان حجیت شهادت مردان و زنان قائل نیست، چراکه شهادت راهی است برای اثبات حق و هر انسانی که قادر باشد حق را ثابت کند و حقیقتی را روشن کند، شهادتش محترم و قابل اعتبار و پذیرش است (بزرگمهر، ۱۳۹۰: ۶۵).

از طرفی دیگر، باوجود اهمیت ویژه شهادت که در بسیاری از پرونده‌های قضایی تأثیر به‌سزایی دارد، مقنن در خصوص صلاحیت و اهلیت شهود و شرایط صحت شهادت شرایطی را مقرر ننموده است، این مهم با به‌کارگیری مبانی و اصول فقهی و همچنین قوانین موضوعه حاصل خواهد شد که امری ضروری به نظر می‌رسد؛ اهمیت این قضیه هنگامی که مراجع قضایی در روند رسیدگی به دعوا به شهادت شهود به‌عنوان دلیل قانونی و شرعی اکتفا می‌کنند، مشخص می‌شود، لذا می‌بایست نگاهی دوباره به شهادت و اعتبار شهادت زنان و مردان داشت، چراکه قوانین کشور همواره مطابق با نیازها و شرایط جامعه در حال تحول است و مرور زمان غبار کهنگی بر روی قوانین بسیاری می‌نشانند که نیازمند بازنگری است.

می‌دهند. شهادت در قالب نظر یا استنباط به‌طور کلی محدود به آن دسته از نظرات یا استنباطاتی است که به‌طور عقلانی مبتنی بر ادراک شاهد بوده و به درک روشنی از شهادت شاهد کمک می‌کند، مگر این‌که شاهد به‌عنوان شاهد خبره شهادت دهد (بهرامی، ۱۳۸۹: ۳۰).

به‌علاوه شاهد یکی از عوامل اصلی در حقوق کیفری تلقی می‌شود که نقش ویژه‌ای در روند دعوای کیفری دارا می‌باشد. اهمیت نقش و مشارکت وی در روند دادرسی کیفری با حوزه «دلیل» مرتبط می‌باشد، چراکه یکی از مؤلفه‌های اصلی ادله‌ای که در نظام‌های قضایی به فراوانی مورد استفاده است، تحصیل شهادت شهود می‌باشد. بنابراین شهود با حضور خود در روند کیفری همانند چشم و گوش دستگاه قضاوت نگریسته می‌شود (آشوری، ۱۳۸۵: ۷۶/۲)، مضافاً در نظام حقوقی ایران شهادت شاهد قابلیت اثبات انواع دعوای را دارد. بلوغ، عقل، ایمان، طهارت مولد، عدالت، عدم اشتغال به تکدی و ولگردی، ذی‌نفع‌نبودن در موضوع، نداشتن خصومت با طرفین دعوی از شروط لازم برای پذیرش شهادت شهود نزد قاضی می‌باشد. در امور حقوقی تعدد و جنسیت، اما در امور کیفری شهادت یک اماره است و در برخی موارد قرینه است، لذا قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۴ شهادت یک زن در قتل در کنار سایر امور می‌تواند مفید علم برای قاضی باشد، مضافاً در این نظام حقوقی سنجش اعتبار شهادت با قاضی است و شهادت شهود جنبه طریقت دارد. همچنین برای احراز صلاحیت شهود در امور حقوقی سازوکار مشخصی پیش‌بینی نکرده است (نجف‌لو، ۱۴۰۱: ۹۱).

کاتوزیان (۱۴۰۰) براساس این نظام حقوقی بیان داشت که شهادت بیان اطلاعاتی است که فرد به‌صورت مستقیم از واقعه‌ای که رخ داده است، دریافت کرده است. به بیان دیگر، وی بیان قید به‌طور مستقیم را امکان پذیرش شهادت در شرایطی مطرح نمود که شاهد ناظر واقعه مورد نزاع باشد و چیزی را که خود با حواس خود دریافت کرده است را بازگو کند و اطلاعات او منحصر به گواهی دیگران و شیوع اخبار بین مردم نباشد.

از این‌رو وظیفه مراجع قانون‌گذار این است که کهنگی و غبار قوانین را بزدایند و باتوجه به شرایط حال حاضر جامعه، قوانین و مقررات را به‌روزرسانی نمایند، به‌ویژه در قوانین مربوط به شهادت، کیفیت استماع شهادت، جنسیت در اقامه شهادت و نحوه سنجش اعتبار آن (تقفی تهرانی، ۱۳۷۷: ۱۲۵/۱).

در عین حال، طی سال‌ها مقالات و پژوهش‌های بسیاری اندکی در مورد شهادت زنان و مبانی آن مورد مطالعه قرار گرفته است، لذا مقاله حاضر به بررسی حجیت و اعتبار شهادت این جنس از افریده خداوند می‌پردازد و بیان می‌دارد که آیا جنسیت فضل، اعتبار و رجحانی برای شهادت محسوب می‌شود یا خیر و این‌که آیا ارزش شهادت به جنسیت مرد یا زن بودن مرتبط است یا خیر، به‌عبارت دیگر جنسیت چه تأثیری بر میزان شهادت در دستگاه قضای جمهوری اسلامی دارد، ضمن آنکه در در دیگر کشورها مرد بودن و جنسیت تأثیری بر میزان ارزش و اعتبار شهادت در دستگاه قضاوت ندارد (رضایی، ۱۳۸۲: ۲۰).

بنابراین این پژوهش ارزش اثباتی شهادت در فقه و حقوق موضوعه بررسی شده و ضمن بیان فلسفه تفاوت اعتبار شهادت زن و مرد در حقوق اسلامی به تبیین و شناسایی مبانی و جایگاه و اهمیت شهادت در حقوق و قوانین جمهوری اسلامی اسلامی باتوجه به نظریه‌های حاکم بر اعتبار شهادت زنان می‌پردازد. در این اثنا، شروطی که برای پذیرش شهادت شهود نزد قاضی جمهوری اسلامی لازم است و راهکارهایی که برای پذیرش و احراز صحت شهادت زنان نزد قاضی در نظام حقوقی ایران وجود دارد، مشخص می‌گردد.

۱- جنسیت در شهادت در قوانین حقوقی ایران و محاکم قضایی مختلف

در قانون، شهادت نوعی مدرک است که از شاهدی که اظهارات رسمی یا اعلام واقعیت می‌کند، به‌دست می‌آید. شهادت ممکن است شفاهی یا کتبی باشد و معمولاً با سوگند یا تصدیق به مجازات شهادت دروغ گفته می‌شود. شهادت کتبی برای قابل قبول بودن در دادگاه و برای حداکثر اعتبار، معمولاً توسط یک یا چند نفر که صحت آن را قسم می‌خورند یا تأیید می‌کنند و همچنین به مجازات شهادت دروغ، شهادت

در بررسی خود «تأثیر جنسیت بر شهادت در فقه و قانون» به مبانی شهادت و اعتبار شهادت مردان و زنان پرداخته است. همچنین نجفلو (۱۴۰۱) شهادت و مبانی آن و نیز استماع شهادت به صورت مجازی را مورد بررسی قرار داده و به اعتبار شهادت زنان پرداخته است.

پلانیول وریپر^۱ (۱۹۹۵) براساس قوانین یونان بیان داشته است که شاهد شخصی می‌باشد که گاهی به صورت اتفاقی و در مواردی به خواست طرفین در جلسه فعل و یا ترک فعل و یا در زمان انکار واقعه‌ای، در محکمه حضور پیدا می‌کند و کیفیت واقعه نحوه وقوع و نتایج آن را به قاضی توضیح و شهادت می‌دهد، به علاوه تعاریف بسیاری در مورد شهادت در ملل مختلف طرح گردیده است و بعضی سوگند را هم در این قسم آورده و از آن تعریفی ارائه کرده‌اند، ولیکن بیشترین تعاریفی که از شهادت ارائه شده است، به صورت مستقیم بوده که شاهد مستقیماً و شخصاً وقوع واقعه را اعم از فعل یا ترک فعل شاهد باشد، در گزارش ملی یونان تعریفی از شهادت ذکر گردیده است که: «شاهدان افراد ثالثی می‌باشند که دعوت شده‌اند تا در مقابل قاضی در خصوص نزاعی که به آن بیگانه بوده‌اند و شاهد وقوع آن بوده‌اند، وقایع دیده و شنیده شده را بازگو کنند.»

به علاوه، در نظام حقوقی انگلیس منشور شاهد تهیه و تدوین شده است و شهود صرف نظر از جنسیت دارای مشارکت فعال در فرآیند دادرسی کیفری می‌باشد. چنین وضع مشابهی در ایالات متحده وجود دارد و از شاهد نیز به شیوه‌های مختلفی و در برخی موارد به سبب عدم افشای هویت وی حمایت می‌کنند.

در فرانسه نیز جنسیت در عنوان شاهد و شهادت مشهود نمی‌باشد و فردی که بر طبق وظایف قانونی یا به ابتکار خود، اعمال قابل تعقیب را به دادگستری ارائه می‌دهد، به عنوان شاهد استماع می‌شود. از طرفی، شهادت زنان چندان به طور مشخص در کنواسیون پرداخته نشده است و صرفاً برخی از نویسندگان فمینیست مواردی مرتبط به آن را مطرح نمودند.

آخوندی (۱۳۷۴) بیان نمود که فردی که ادای شهادت یا تحمل شهادت کرده باشد، در واقع موضوع شهادت را احساس نموده و از طریق آن کسب اطلاعات کرده است. همچنین برخی از حقوق دانان اظهار می‌دارند که فردی که وقوع جرمی را دیده و یا شنیده باشد و یا اطلاعاتی در خصوص عمل ارتكابی داشته و بخواهد که در مورد آن به محکمه و مقامات صالح قضایی خبر دهد، گواه و همان شاهد نامیده شده و اظهارات وی به عنوان شهادت تلقی می‌گردد، اما در قوانین حقوقی انگلستان شاهد فردی می‌باشد که در دادگاه شهادت می‌دهد و باید سوگند بخورد که هر آنچه را که بیان می‌کند، حقیقت و عین واقعیت است.

نقیب شهربابکی (۱۳۹۲) در مطالعه خود تحت عنوان «شهادت در امور حقوقی و فقه اسلامی» بیان نمود که شهادت به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی مورد قبول تمام نظام‌های حقوقی، از جمله اسلام می‌باشد، چنانکه در قرآن کریم این موضوع به صورت اثر حقوقی مطرح شده است. بر این اساس، شهادت برای صیانت و حفاظت از حقوق به معنی اعم خود چه حق الناس و چه حق الله تشریح شده و از دو مرحله تشکیل می‌شود: مرحله تحمل شهادت و مرحله ادای شهادت. از نظر شرعی شاهد گرفتن، از جمله حقوق خصوصی افراد است، لیکن ادای شهادت یک نوع واجب شرعی است و کسی که ناظر بر وقوع امری بوده، در صورتی که از او درخواست شهادت دادن شود، باید شهادت دهد. شهود باید دارای شرایطی، از قبیل عدالت، حلال زادگی، ایمان، بلوغ، عقل و ... باشند و شهادت نیز باید از روی علم و یقین ادا شود و این درحالیست که مطابقت موضوع گواهی با موضوع ادعا و اتحاد مفاد گواهی گواهان هم شرط صحت و قبول شهادت است. حق الله محض برای اثبات نیازمند چهار شاهد عادل مرد است، لیکن در حق الناس، شهادت دو شاهد مرد هم کفایت می‌کند. بانوان در حقوق مالی و یا حقوقی که منجر به مال می‌گردد، می‌توانند به انضمام مردان گواهی دهند، ولی در امور باطنی زنان، گواهی آنان بدون حضور مردان پذیرفته است. لازم به ذکر است چنانچه شهود با شرایط تعداد و جنسیت مقرر در قانون مبادرت به ادای شهادت کنند، قاضی مکلف به صدور رأی براساس آن می‌باشد. بازوکار (۱۴۰۰) نیز

^۱ - Penayol Verpire

فقها معتقدند حاکم لزومی برای صدور رأی براساس مقتضیات شهادت شهود ندارد، زیرا در شهادت گاهی احتمال کذب و نگفتن واقعیت وجود دارد و اکثر مواقع نمی‌تواند یقین‌آور و مفید علم و اطمینان باشد، بلکه صرفاً ظن و گمان ایجاد می‌کند که در هر صورت احتمال اثبات خلاف آن وجود دارد (بهرامی، ۱۳۸۹: ۴۰).

افزون بر این، مطابق با نظر فقهای امامیه و حقوق اسلامی شهادت یک تکلیف بوده و اقامه و ادای شهادت افراد امری بر واجب است و اجماع فقها بر واجب کفایی بودن آن است، برخی نیز آن را واجب عینی می‌دانند. فقهای شیعه درخصوص تکلیف بودن شهادت به دلایلی که در کتاب و سنت آمده، استناد می‌کنند. آیات بسیاری در قرآن کریم در مورد وجوب شهادت آمده است: «وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آيْمٌ قَلْبُهُ...» (بقره/۲۸۳) و آیات دیگری مانند طلاق آیه ۲، نساء آیه ۱۳۵، بقره آیه ۲۸۲.

همچنین روایات زیادی درخصوص دلالت بر وجوب شهادت موجود است پیامبر (ص) فرمودند: «کسی که شهادت را منکر شود و یا به‌گونه‌ای شهادت دهد تا از طریق آن خون مسلمانی جاری شود و یا مال مسلمانی را به‌دست آورد، در قیامت با چهره‌ای سیاه محشور خواهد شد و بر صورتش زخمی نمایان خواهد بود که خلایق او را با اسم و نسب خواهند شناخت» (الحر العاملی، ۱۴۰۳: ۳۷۲).

در عین حال، فقها شهادت را اعلام و اخبار می‌دانند که باید دارای قطع و یقین باشد. شهادت و ماهیت آن در قانون ایران به‌صورت دقیق بیان نشده است و برای دریافت معنای آن به دکتربین حقوقی و فقه و نظریات فقها رجوع می‌شود. شهادت هم در معنای گواهی شهادت و ادای آن به‌کار می‌رود و هم در معنای گواه و شاهدشدن. عده‌ای از فقها و اندیشمندان حقوقی، شهادت را نقل وقایع از جانب شاهدی دانسته‌اند که شخصاً وقوع حادثه را دیده و یا شنیده باشد. مطابق با این دیدگاه شهادت غیرمستقیم که از طریق نقل و خبر دیگران به فرد رسیده باشد، فاقد اعتبار است (نجفی، ۱۴۰۳: ۸/۴۱). در المنجد شهادت خبر قطعی و گواهی‌دادن معنا شده است. همچنین باید اضافه شود که براساس نظر فقه امامیه رجوع

۲- جنسیت در شهادت در فقه و حقوق موضوعه

شهادت از موضوعات و مفاهیم مهمی می‌باشد که در فقه و حقوق اسلامی به‌صورت اساسی و محوری برای اثبات و یا صدور حکم مورد استفاده قرار می‌گیرد، مضافاً براساس اصل هویت‌دادن زن در اسلام و باتوجه به آیه ۱۳ سوره حجرات در اسلام فرق و تمایزی بین زن و مرد وجود ندارد و این‌که عمل هیچ‌کس (چه زن و چه مرد) در نزد خدا گم نمی‌شود و هرکسی در گرو عمل خویش می‌باشد، چه‌بسا براساس آیه فوق که ملاک گرامی‌تربودن نزد خداوند را که میزان تقوا می‌داند، زن نزد خداوند گرامی‌تر و مقرب‌تر باشد.

اصطلاح بینه، در برخی از کتاب‌های فقهی جایگزین اصطلاح شهادت شده است و بینه را مطابق با شهادت شهود تلقی می‌کنند که سجادی‌نژاد (۱۳۹۱) - یکی از نویسندگان حقوقی - در تعریف آن چنین بیان داشته است: «از نظر فقهی اصطلاح بینه به معنی تعدادی شهود که قانوناً شهادت و گواهی آنان می‌تواند یک قضیه حقوقی اعم از جزایی یا مدنی را اثبات نماید، تعریف شده است» در حقوق ایران قانون‌گذار به طریقت‌داشتن شهادت شهود معتقد بوده و مطابق ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۲۱ تشخیص اعتبار و تأثیر گواهی به نظر دادگاه و قاضی سپرده شده و در تأیید این اعتقاد و نظر، ماده ۱۷۱ از قانون آیین دادرسی در امور کیفری نیز چنین مقرر شده است که: «چنانچه دادگاه شاهدین معرفی‌شده را دارای شرایط قانونی تشخیص دهد، شهادتشان را می‌پذیرد و در غیر این صورت رد می‌نماید.»

از طرفی، در فقه امامیه رأی قاضی محکمه، تابع شهادت شهود است و بینه شرعی و شهادت که دارای شرایط لازم و صلاحیت در شرع باشد، موضوعیت دارد. قاضی در محکمه وظیفه دارد که رأی را براساس مقتضای شهادت صادر نماید. چنانچه حکم حاکم مطابق مؤدای حق باشد حکم مزبور ظاهراً و باطناً دارای اعتبار و ارزش و نافذ است. همچنین اگر حکم صادره مطابق با واقع قضیه نباشد، حکم قاضی از نظر ظاهری نافذ است و برای مشهودله جایز است که مشهود به چنانچه مال است تملک و آن را درخواست کند، مگر این‌که به حال شهود جاهل باشد. لازم به ذکر است که گروهی از

شاهد از شهادت خود، قبل و پس از صدور حکم مسؤولیت و آثار خاصی را داراست که هر کدام دارای آثاری متفاوت است.

۳- اعتبار شهادت زنان

براساس نص قرآن کریم در آیه ۱۴۰ سوره بقره، آیه ۳ سوره انعام، آیه ۱۷ سوره توبه و آیه ۵۱ سوره غافر شهود و شهادت به معنای «حضور، دیدن و خبر قاطع» می‌باشد و مهم آنکه در آن جنسیت لحاظ نشده است، اما حقوق دانان تعاریف متعددی برای واژه «شهادت» ارائه نمودند، به‌رغم آنکه در قانون تعریف مشخصی برای آن وجود ندارد. همچنین ماده ۳ آیین دادرسی مدنی صرفاً قضات را موظف نموده تا براساس قوانین به موضع دعاوی رسیدگی نمایند. زمانی که قوانین موضوعه صریح یا جامع نبوده و یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در موضوع مطروحه وجود نداشته باشد، براساس منابع حقوقی و شرع برای آن رأی صادر می‌شود. با این وجود، در مبانی فقهی اعتبار شهادت زن در امور مدنی و کیفری دارای درجاتی می‌باشد که از آن جمله چنین‌اند:

۱- در مسائل کیفری در حدود یا به‌زم فقها در حق‌الله، شهادت زن به تنهایی دارای اعتبار و ارزش نمی‌باشد تا بتوان به‌واسطه آن جرمی را ثابت نمود. برای مثال، در مورد زنا شهادت دو زن عادل و سه مرد عادل موجب حد جلد یا رجم و یا شهادت چهار زن عادل و دو مرد عادل زنا می‌باشد.

۲- براساس روایتی از حضرت علی (ع) شهادت زنان در حدود و قصاص جایز نمی‌باشد.

۳- در مسائل حقوقی، امور مالی با شهادت زنان چه به‌صورت فردی و چه به‌صورت همراه با مردان قابل اثبات نمی‌باشد.

۴- در مسائل مالی شهادت دو زن به‌همراه یک مرد می‌تواند سبب اثبات دعوی گردد.

۵- در موارد محدودی مانند تولد طفل، بکارت و حیض صرفاً با شهادت زنان می‌توان مسئله را ثابت نمود. با این حال، شهادت دو نفرشان برابر با شهادت یک مرد محسوب می‌شود.

۶- گاه در مواردی مانند شهادت در وصیت یا سهم‌الارث بچه، شهادت زنان صرفاً می‌توانند مقداری از مورد شهادت را ثابت کند (مدنی، ۱۳۹۳: ۵۸).

به‌همین منوال، مطابق با تقسیم‌بندی صاحب شرایع، حقوق بر دو قسم است: حق‌الله و حق‌الناس. در قسم اول (حق‌الله) برخی از موارد تنها با شهادت چهار مرد عادل ثابت می‌شود، مواردی چون مساحقه، زنا و لواط و صرفاً شهادت درخصوص زنا است که با سه مرد و دو زن یا دو مرد و چهار زن اثبات می‌شود، البته حد رجم در زنا با شهادت دو مرد و چهار زن ثابت نمی‌شود و تنها شلاق با آن ثابت می‌شود (صناعی، ۱۳۸۵: ۲۷). بعضی دیگر از اقسام حق‌الله نیز صرفاً با دو شاهد مرد ثابت می‌شود؛ حدودی از قبیل سرقت، ارتداد، شرب خمر. هیچ‌یک از اقسام حق‌الله با یک شاهد مرد و دو شاهد زن و یا یک شاهد و قسم مدعی و یا شهادت زنان به تنهایی، حتی اگر تعداد آن‌ها خیلی زیاد باشند، اثبات نمی‌گردد (نجف‌لو، ۱۴۰۱: ۹۱).

حق‌الناس خود بر سه قسمت است:

۱- دسته اول، صرفاً با دو شاهد مرد ثابت می‌شود، عبارت است از: طلاق، خلع، وصیت، وکالت، نسب و رویت هلال و در مورد عتق و نکاح و قصاص تردیداتی وجود دارد؛ قول قوی آن است که این سه مورد با یک شاهد مرد و دو زن ثابت می‌شود.

۲- دسته دوم، با دو شاهد مرد و یا یک شاهد مرد و دو شاهد زن و یا یک مرد همراه با یک قسم اثبات می‌شود، عبارت است از: اموال و عقود معاوضی چون بیع، صرف و سلم صلح، اجاره، مساقات، دیون، رهن، وصیت و جرمی که مستوجب دیه است.

۳- دسته سوم، با شهادت مرد و زن به‌صورت مجزا و یا به انضمام یکدیگر ثابت می‌شود که عبارت است از: ولادت، حیات جنین هنگام تولد (استهلال) و عیوب باطنی زنان. قبول شهادت زنان به تنهایی، در مورد رضاع اختلاف نظر وجود دارد که قول مشهور جایز بودن آن است. درخصوص اموال و دیون، شهادت دو زن با یک مرد و شهادت دو زن با قسم

انجام شده است، قدرت و دقت شناختی زنان از مردان، بیشتر ارزیابی شده است (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۷).

به تازگی در دانشگاه‌های آمریکا در بین ۳۷ دانشجو تحقیقاتی انجام شده که در آن فیلمی از دزدی دو نفر به دانشجویان نشان داده می‌شود، ولیکن علی‌رغم نتایج تحقیقات گذشته که چنین ثابت شده، حافظه تصویری و توجه زنان به صحنه‌ها و همچنین تشخیص و شناسایی دزدان بیشتر از مردان است، اما در این آزمایش و تحقیق صورت گرفته که از جدیدترین تحقیقات می‌باشد، تفاوت معناداری میان تشخیص و توانایی‌های شناختی مردان و زنان دیده نشده است که آن‌ها را از یکدیگر متمایز نماید.

در آزمایش دیگری که ۲۲ نفر شرکت‌کننده داشته است، یک ویدیو ۳ دقیقه‌ای را نشان دادند و ۲۷ پرسش براساس ویدئو پخش شده، از شرکت‌کنندگان صورت گرفت تا میزان توانایی یادآوری بصری و کلامی زنان و مردان را شناسایی و نسبت به یکدیگر ارزیابی کنند و نتیجتاً میزان یادآوری بصری زنان ۱۰/۳ و مردان ۱۰ و همچنین میزان یادآوری کلامی زنان ۱۰/۷۰ و مردان ۱۰/۷۵ مشخص شد. واضح است که به لحاظ ارزیابی و نتیجه نهایی تفاوت قابل توجه و ویژه‌ای مشاهده نگردید.

تفاوت دیگری که می‌توان به آن اشاره داشت، اختلافات هورمونی میان زنان و مردان است، از جمله عادت ماهیانه و تغییرات دوره یائسگی که قبل و پس از وقوع آن‌ها، خود سبب ایجاد تغییراتی در توانایی‌های شناختی و یادآوری می‌شود که مردان فاقد آن هستند، اما در مقابل نظریات دیگری وجود دارد که چنین بیان می‌دارد: «همان‌گونه که این تغییرات هورمونی موجب بروز اختلال در توانایی‌های ادراکی و شناختی زنان می‌شود، در مردان هنگام میانسالی نیز این اختلال و تغییرات رخ می‌دهد و تنها مختص به زنان نیست و صرفاً نحوه و علت بروز آن‌ها متفاوت است و نمود اختلال و ضعف شناختی و یادآوری در هر دوی آن‌ها یکسان است» (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۹).

قابل قبول و معتبر است و شهادت زنان به تنهایی، ولو این‌که زیاد باشند، مورد پذیرش نیست. به صورت کلی قاعده بر این است هر زمان شهادت زنان بدون ضمیمه مردان باشد، در صورتی پذیرفته می‌شود که چهار زن باشند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۳۷/۴).

در موضوع شهادت، حق‌الله و حق‌الناس کلمات پرتکراری هستند. فقها میان این دو عنوان به جهت پذیرش شهادت زنان تفکیک قائل شدند که در جایی که حق‌الناسی وجود ندارد و فقط حق‌الله است، شهادت زنان معتبر و قابل پذیرش نیست، مواردی چون حد لواط و مساحقه، اما در جایی که حق‌الناس وجود دارد، شهادت زنان مانند شهادت مردان، معتبر دارای ارزش و قابل پذیرش است.

ارزش شهادت زنان نصف شهادت مردان است، ولیکن فقها در مورد ارزش شهادت زنان دیدگاه‌های گوناگونی دارند و نظریات متفاوتی، ولو با کمترین تفاوت نسبت به دیگری در کتاب‌های خود نگاشته‌اند (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۸).

۴- عامل جنسیت و تأثیر آن در شهادت

تفاوت جنسیت در شهادت، از جمله مسائل پرحاشیه و چالش‌برانگیز در عالم حقوق است. بعضی از کشورها، از جمله کشورهای اسلامی نسبت به شهادت زن و مرد تفاوت قائل هستند. در مقابل این دیدگاه کشورها و فرهنگ‌هایی هستند که به برابری توانایی زن و مرد معتقد هستند و بر آن بناء دارند. همچنین جنبش‌های فمینیستی نیز به برابری زنان و مردان و برابری شناختی میان آن‌ها باور دارند و این تضاد اجتماعی و تفاوت دیدگاه بحث‌های روان‌شناختی و حقوقی بسیاری ایجاد نموده است (نجفلو، ۱۳۹۳: ۵۶).

آزمایشاتی که بر این اساس صورت گرفته است، به لحاظ توانایی‌های شناختی زنان و مردان، ثابت شده است که حافظه تصویری زنان برای تشخیص چهره انسان دقیق‌تر از مردان عمل می‌کند و زنان برای تشخیص چهره و هویت، اطلاعات دقیق‌تر و موفق‌تری را قادر به ثبت هستند. به لحاظ رنگ‌شناسی چهره نیز میزان دقت زنان ۸۰ درصد و دقت مردان ۷۴ درصد بوده است. مطابق با آزمایشات دیگری که

مختص به زنان و شرایط مربوط به آن؛ در بند «ج» ماده ۲۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است که دعاوی مانند ولادت، بکارت، رضاع و عیوب درونی زنان که اطلاع از آن به طور معمول در اختیار زنان است، با شهادت ۴ زن یا دو مرد و یا یک مرد و دو زن اثبات می‌شود (فیروزآبادی و محمدی جورکویه، ۱۳۹۱: ۱۵۴).

در حقوق ایران جنسیت شاهد به‌عنوان شرایط شهود به‌صورت دقیق و مستقیم اشاره‌ای نشده و مقنن در قانون مدنی در بیان شرایط شهود درخصوص جنسیت سکوت نموده و تبعیض جنسیتی قائل نشده است. تنها در ماده ۲۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی، در مورد نصاب شهود، به جنسیت اشاره نموده و میان نصاب مرد و زن تفاوت قائل شده است که مطابق با نظریات فقهی بوده است و در نظریات و تفسیرهای حقوقی، حقوق‌دانان به‌عنوان مانع و یا شرط از جنسیت شاهدان و مرد و زن بودن آن‌ها سخنی نگفته‌اند. می‌توان دریافت ذکر جنسیت در قانون آیین دادرسی مدنی که به‌عنوان شرایط شهود شناخته شده است، در برخی از دعاوی مانند دعاوی مالی، شهادت زنان به‌صورت انفرادی قابل استماع نیست و اثبات در این دعوا به‌وسیله شهادت تنها توسط شاهد مرد صورت می‌گیرد. می‌توان نتیجه گرفت که صرفاً در دعاوی مالی مرد بودن در شهادت شرط شده، لذا شرطی جزئی است. همچنین می‌توان شرط مرد بودن را نه به‌عنوان شرط عمومی، بلکه به‌عنوان شرایط اختصاصی مربوط به موضوع مورد شهادت شناخت (کریمی، ۱۳۹۱: ۸۱).

افزون بر این، مطابق با نظریات فقهی نیز می‌توان چنین بیان داشت که تفاوت حکم شاهد مرد با زن در حد اجماع است، ولیکن باید نسبت به تحولات اکنون دنیای مدرن و نیازمندی‌های افراد جامعه کنونی و همچنین نتایج حاصله مبنی بر عدم تفاوت شناختی و ادراکی از تحقیقات و آزمایشاتی که در زمینه روان‌شناسی صورت گرفته است، این نظر و اصل حاکم را مورد تعدیل و بازنگری قرار داد، البته در مواردی که مردان به‌سختی از مسائل مربوط به زنان آگاهی پیدا می‌کنند، در مواردی مانند استهلال و عیب‌های باطنی‌شان شهادت بر

در نتیجه، براساس نظر «یارمی»^۱ می‌توان گفت کلیه نظرات و رویکردها در مورد تفاوت‌های ادراکی میان زن و مرد جملگی متأثر از نوعی تعصب و جنسیت‌زدگی و پیش‌فرض است و به واقع تفاوت فاحشی به‌لحاظ ادراکی میان زن و مرد وجود ندارد و تأییدیه علمی را به‌دنبال ندارد. این ماده در اردیبهشت سال ۱۳۷۹ از سوی مجلس شورای اسلامی براساس نظر شورای نگهبان اصلاح شد و باتوجه ایده مشهور فقهای امامیه شهادت زن و محدودیت‌های آن را در مسائل مدنی تصریح نمود که به‌شکل زیر پس از تأیید شورای نگهبان باتوجه به تعداد شهادت و جنسیت تصویب شده:

«الف- اصل طلاق و اقسام آن و رجوع در طلاق و نیز دعاوی غیرمالی، از قبیل مسلمان‌بودن، بلوغ، جرح و تعدیل، عفو از قصاص، وکالت و وصیت با گواهی دو مرد.

ب- دعاوی مالی یا آنچه مقصود از آن مال باشد، از قبیل دین، ثمن مبیع، معاملات وقف، اجاره، وصیت به نفع مدعی، غصب، جنایات خطایی و شبه‌عمد که موجب دیه است، با گواهی دو مرد یا یک مرد و دو زن.»

فقهای اهل سنت هم تقریباً براساس نظر فقهای شیعه نظر دادند و در حدود و قصاص و امور غیرمالی شهادت زن را مورد قبول نمی‌دانند و در مورد مسائل مالی شهادت دو زن را برابر یک مرد تلقی می‌کنند، مضافاً در مذاهب چهارگانه در حدود، جنایات و قصاص شهادت زنان مورد پذیرش نمی‌باشد و صرفاً شهادت دو مرد عادل قابل قبول می‌باشد (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۷۶)، لذا یکی از اساتید مسأله جنسیت را در بخش مربوط به اختیار ارزشیابی دادرسی و قاضی ذکر کرده‌اند و از دیگر اساتید نیز، مسأله جنسیت را در بخش مربوط به توانایی اثبات گواهی در دعاوی مطرح نموده‌اند (شمس، ۱۴۰۱: ۱۴۹).

می‌توان گفت تنها یکی از اساتید حقوق درخصوص مسأله جنسیت در شهادت، به درستی و دقت نظری را بیان داشته‌اند که شرایط موضوع مورد شهادت و نوع دعوا درخصوص شهادت تفاوت ایجاد خواهد کرد که مطابق با قانون آیین دادرسی مدنی جدید به سه دسته تقسیم می‌شود: دعاوی

^۱ - Yarmi

شهادت زن دیگر به تنهایی قابل پذیرش می‌باشد (طوسی، ۱۴۰۸: ۲۸/۸).

۴-۱- رویکرد موضوعیت‌داشتن شهادت در دعاوی

در این رویکرد فقها شهادت را به‌عنوان ادله‌ای اثباتی می‌دانند و اثبات آن را محدود به روایات و نصوص در نظر دارند، لذا اصل را بر حجیت شهادت مردان می‌دانند و تنها در مواردی که روایت و آیه‌ای در خصوص صحت و پذیرش شهادت زنان آمده، در آن شرایط شهادت زنان را صحیح و معتبر می‌دانند. آیت‌الله فاضل لنکرانی ذکر نموده‌اند: «شبهه‌ای در اعتبار شهادت زنان به تنهایی در برخی از موارد و شهادتشان همراه مردان دیگر در موارد دیگر نیست، همان‌گونه که شبهه‌ای در عدم اعتبار شهادت زنان در برخی از موارد نیست، چه به‌تنهایی و چه به‌همراه مردان، بلکه اشکال در مواردی که دلیل خاصی وجود ندارد» (بهرامی، ۱۳۸۹: ۳۱).

از حیثی، شاید استتسهاد شود به عمومیت حجیت شهادت زنان مگر آنچه که خارج می‌شود با دلیل با استناد به روایت عبدالکریم بن ابی‌یعفور از امام باقر (ع) که فرمود: «شهادت زن و زنان پوشیده، پاکدامن، فرمانبردار شوهر و تارک ابتدال و خودآرایی در جمع مردان پذیرفته می‌شود»، اما ظاهراً این روایت در مقام بیان شروط قبول شهادت زن است نه در مقام بیان این‌که در هر موردی شهادتشان پذیرفته است تا بر همه موارد اطلاق شود و به‌عبارت دیگر این ناظر بر عدالت اعتباری است در شاهد برای زن نه در خصوصیات دیگر همان‌طور که واضح است. لذا براساس این رویکرد و نظر این گروه از فقها اصل بر پذیرش و حجیت شهادت مردان است و تنها در مواردی که دلیل خاص و روایتی وجود داشته باشد، شهادت زنان مورد پذیرش و دارای اعتبار خواهد بود.

۴-۲- رویکرد طریقت‌داشتن شهادت در دعاوی

در این رویکرد فقها بر این باورند که شهادت زنان به‌صورت مطلق معتبر و قابل قبول است و تفاوتی در میزان اعتبار شهادت مردان و زنان وجود ندارد و استدلال آنان بر این است که شهادت راهی برای اثبات حق است و در صورتی‌که شهادت زنان بتواند در این امر روشن‌کننده حقیقت باشد و ما را به حقیقت برساند، دارای اعتبار و مورد قبول است. مرحوم

نراقی چنین ذکر نموده‌اند: «آنچه از عبدالعزیز بن براج حکایت می‌شود، طریقت است و نیز برخی از متأخرین همین قول را اختیار کرده‌اند که چنانچه برای قاضی علم به موضوع حاصل شد، هرچند که با شهادت دو زن باشد، قاضی مکلف است که به نتیجه حاصله رسیدگی کند و بنابر علم حاصل شده حکم دهد».

دکتر جعفری لنگرودی از حقوق‌دانان عصر حاضر نیز از ابن قیم در کتاب اعلام الموقنین، بیان نموده‌اند که ایشان بینه را در معنای عام خود دانسته و آن را به دو مرد عادل مختص ندانسته و اختصاص بینه را به دو مرد عادل صحیح نمی‌دانند. همچنین پیامبر (ص) می‌فرمایند: «البینه علی المدعی به این معنا که شخص مدعی می‌بایست ادعای خود را ثابت نماید و بار دلیل اثباتی برعهده وی است.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۳۷۳)، لذا براساس این رویکرد تمایز و تفاوتی میان شهادت مردان و زنان و میزان اعتبار شهادت آن‌ها وجود نداشته و شهادت موضوعیت ندارد، بلکه طریقت دارد، تنها موردی که موضوعیت دارد، رسیدن به حقیقت است که شهادت، از جمله راه‌هایی است که در این مسیر کمک‌کننده است، بنابر این شهادت زنان مطلقاً حجیت داشته و دارای اعتبار است و در مواردی که صرفاً شهادت مردان قابل قبول است، دلیل و روایت و نص خاصی برای آن موجود است (بهرامی، ۱۳۸۹: ۴۰).

نتیجه‌گیری

به‌رغم آنکه در تمام دنیا شهادت زنان به‌عنوان ادله اثبات در دعاوی حقوقی و جزایی دارای اعتبار خاص خود می‌باشد، اما در فقه و حقوق اسلامی، کیفیت و اعتبار شهادت چنین جنسیتی به‌طور مستقل و به‌لحاظ تعداد دارای کیفیت و اعتبار برابر با شهادت مرد ندارد و باید به شهادت مردان ضمیمه شود و در نتیجه نوعی تبعیض جنسیتی محسوب می‌شود. این مهم به‌عنوان محرومیت زنان از حق مسلم خود مطرح شده (نجف‌لو، ۱۴۰۱: ۸۹)، لیکن استدلال فقه و حقوق اسلامی چنین می‌باشد که تبعیض جنسیتی در تعداد و اعتبار شهادت زنان به‌صورت مستقل، به‌معنای معافیت از تکلیف است و به مفهوم محرومیت از حق‌شان نمی‌باشد. در عین حال، در قوانین حقوقی ایران ماهیت این شهادت به‌صورت دقیق

تبیین نشده است و برای دریافت معنای آن باید به دکتربین حقوقی و فقه و نظریات فقها تمسک جست.

همچنین در مورد لزوم یا عدم لزوم شرط رجلیت در شهادت و اعتبار شهادت زنان دو رویکرد وجود دارد: یک رویکرد بر این اساس است که شهادت به عنوان ادله‌ای اثباتی است، لذا اصل را بر حجیت شهادت مردان می‌دانند و تنها در مواردی که روایت و آیه‌ای در خصوص صحت و پذیرش شهادت زنان آمده، در آن شرایط شهادت زنان را صحیح و معتبر می‌دانند. به‌طور کلی این رویکرد قائل به موضوعیت‌داشتن و اصل دانستن شرایط و نحوه اقامه شهادت است، نه نفس اثبات حق و روشن‌شدن حقیقت، درحالی‌که در رویکرد طریقی‌ت‌داشتن شهادت در دعای فقها بر این باورند که شهادت زنان به‌صورت مطلق معتبر و قابل پذیرش است و تفاوتی نسبت به اعتبار شهادت مرد و زن قائل نیستند، چراکه اصل را بر اثبات حقیقت می‌دانند نه شرایط و نحوه اقامه شهادت که جنسیت و رجلیت در آن شرط باشد؛ در این رویکرد اصل بر اثبات و روشن‌شدن حقیقت است و شهادت تنها راه و وسیله‌ای برای اثبات حق در این مسیر است و صرفاً طریقی‌ت‌دارد.

بر این اساس، در قوانین حقوقی جمهوری اسلامی تفاوت حکم شاهد مرد با زن در حد اجماع بوده و باید نسبت به تحولات دنیای مدرن و نیازمندی‌های جامعه و همچنین با استناد به تحقیقات علمی مختلفی که در این زمینه صورت گرفته و اثبات شده است که زنان و مردان از لحاظ ادراک و شناختی و حفظ و ثبت وقایع و یادآوری آن تفاوت فاحشی ندارند، در قوانین موجود تجدید نظر نموده و قوانینی مطابق با آگاهی و نیاز جامعه امروز نسبت به مقوله شهادت و اعتبار شهادت زنان وضع شود. به‌نظر می‌رسد شهادت زنان در صورت ایجاد زیرساخت‌های قانونی و روشن باتوجه به جامعه کنونی، به‌صورت کلی قابل پذیرش است. بدیهی است که مطالعات بیشتر در این حوزه بر اهمیت آن می‌افزاید و مخاصمات داخلی و نقض‌های شدید حقوق بشری را مرتفع ساخته و رسیدگی عادلانه و منصفانه‌ایی را در قضاوت به‌همراه خواهد داشت.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش، تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت شده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: در این پژوهش، نویسندگان مشترکاً اقدام نموده‌اند.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمامی کسانی که در تدوین این مقاله، ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- ایمانی، عباس (۱۳۸۲). *فرهنگ اصطلاحات حقوقی کیفری*. تهران: نشر آریا.

- آشوری، محمد (۱۳۸۵). *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.

- بزرگمهر، امیرعباس (۱۳۹۰). *روانشناسی شهادت قضایی*. تهران: انتشارات سهامی انتشار.

- بهرامی، بهرام (۱۳۸۹). *بایسته‌های ادله اثبات*. تهران: انتشارات نگاه بینه.

- ثقفی تهرانی، (۱۳۷۷). *روان جاوید در تفسیر قرآن*. جلد اول، تهران: نشر برهان.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۰). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ یازدهم، تهران: نشر گنج دانش.

- رضایی، حسن (۱۳۸۲). *نقش مقتضیات زمان و مکان در نظام کیفری اسلامی*. تهران: نشر عروج.

- صانعی، فخرالدین (۱۳۸۵). *ارزش شهادت زنان در اسلام*. بی‌جا: انتشارات میثم تمار.

- طرابلسی، عبدالعزیز بن البراج (۱۴۰۶). /المهذب. جلد دوم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن بن علی (۱۴۰۸). /المبسوط فی فقها الامامیه. جلد هشتم، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریه.
- کریمی، عباس (۱۳۹۱). /دله اثبات دعوی. تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- محقق حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). /تُرابع الاسلام. جلد چهارم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۹۳). /دله اثبات دعوی. چاپ یازدهم، تهران: انتشارات پایدار.
- نجفلو، رضا (۱۴۰۱). /مطالعه تطبیقی شهادت در دعاوی. جلد دوم، تهران: انتشارات دادگستر.
- نجفی، محمد حسن بن، باقر (۱۴۳۰). /جواهر الکلام. جلد چهل و یکم، قم: انتشارات اسلامیة.
- فیروزآبادی، حسین و محمدی جورکویه، علی (۱۳۹۱). «بررسی ارزش اثباتی شهادت زنان و حکمت آن». مجله مطالعات حقوقی، ۷: ۱۵۳-۱۷۴.